

روزی ابو جهمل با جهمل علیه اللعنه با جمعی ششسته بود و رسول صلی الله علیه
 و آله ناسر می گفت عمر خطاب رضی الله تعالی عنه حاضر بود گفت بزبان چندی گفتن
 نمی بود ابو جهمل گفت اگر دین من است صد شتر سیخ موی بکیر و سه اوقیه
 بکیر و محمد را هلاک کن آری دوستی ز کسی را در کار هاء پیدا کند عمر با اتفاق
 ایشان روی به تخته نهاد که در پیش بنان عهد کند که عادت کافران این بود
 که اگر در پیش بنان عهد کردند آن عهد را نگاه داشتند ای نام مؤمن با خدا
 عهد ها کرده و جمله بشکستی کلام باین سبب ظالمان را بر تو گذاشته اند که قوی
 عهد نشکسته اند الا که خدای تعالی ظالمان را بر ایشان گذاشت عمر سر مست بود
 که بشکلات و عزیزی و هبل در آمد هبل بزبان فصیح می گفت رجل امین بدعوی
 الی الاسلام و انت تسفک دمه بالله لا یقدر گفت امین بدین اسلام ترا
 می خواند تویی خواهی نادین اسلام وی منسوخ کنی خدای که شوقانی عمر خواست
 تا از آن عزم باز گردد باز در سری وی افتاد که ازین چندین زر چگونه بخود
 محروم کنم چندین هزار کرد که در کافری افتادند اصل دوستی ز بود قادیون که
 دین بیاد داد از دوستی ز بود دیگر بار عمر بر تخته نذر آمد بر تخته رفتن از غری
 او از بر آمد که لا اله الا الله محمد رسول الله خیر شد گفت من کشتن وی می روم

و معبود

و معبود من به بغیری وی گواهی میدهم این چگونه بود آری دعای معبود
 عالم صلی الله علیه و آله در حق اجابت شده که در مناجات گفته بود که اللهم
 اعز الاسلام لما یعز او ابو جهمل در حق تعالی چه تنگی بود که رسول
 هر دو داد عا نکرد در حق تنگی نبود اما جهمل میل آمد بود که ازین
 دو سر غوغا بکی بایمان خواهد آمد و معبود عالم صلی الله علیه و آله را معلوم بود
 که اگر چه بکیر ازین دو دعا کرد چون ذکر عمر در پیش بود و در حق اجابت گفته بود
 در حق و حق اجابت افتاد یکبار محمد دعا کرد عمر هدایت یافت بیست سه امت و
 دعا کرد امید بود که امت وی رحمت یابند عمر رضی الله تعالی عنه از بیت خانه مست
 بیرون آمد یاران و یاران داشتند باز دیگر از عزم گفتن محمد صلی الله علیه و آله
 که دعای مسلمانان بایار بد صحبت ملازمت نافذ اند و فرخ گرفتار نکرد بد که همه بار
 بد بد بکیر و گویند یا امین یا امین و عینک بعد المشرقین فیسر القرون ای کاش
 شک میان ما و وی می شرف می غریب بودی عمر ابو جهمل بکیر باز به تخته نذر آمدند
 از نیتان آوازی شنیدند که لا تعبدوا الا صناعهم و قد خرج حیرا که امام بدعوی
 الی دار الاسلام تا کی بت پرستید و محمد صلی الله علیه و آله را بهترین
 امامان است می خوانند شما را بداد اسلام ابو جهمل و عمر هر دو این سخن